



مجله حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

بررسی راهکارهای حقوقی استخراج و معامله ارزهای دیجیتال و رمز پایه (مجازی):

خلأهای حقوقی و راهکارهای پیشنهادی * شیما نادری، مجید مطلبی

و اکاوی مبانی فقهی فور و تراخی در اخذ به شفعه * مرتضی رحیمی

دستاوردها و چالش های تعدد و تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

مصوب ۱۳۹۹ با رویکرد کاربردی * ابوالفتح خالقی، زهرا میرزانی

آثار قرارداد انتقال تکنولوژی در حقوق ایران * افشین مجاهد

تبیین اصل اطلاع رسانی در پرتو آیین رضایت قبلی کنوانسیون روتردام ۲۰۰۳

* محمد مبینی فر، مرضیه فتحی برناچی

جایگاه کمیسیون های حل اختلاف در دعاوی فی مابین سپاه پاسداران انقلاب و شهرداری تهران

* محمدرضا یزدی، مجتبی سالک رازی

آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه * سید جعفر هاشمی باجگانی، محمدرضا بوربور

آثار فسخ نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان * میثم سبحانی

تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران: بررسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای

پیمان نامه جهانی حقوق کودک * مریم شعبان

رابطه توهین و آزادی بیان در پرتو قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات * امیرحسین قضائی علمداری

اصول و قواعد حاکم بر اخلاق حرفه ای در شغل وکالت * رستم علی اکبری، یاسر شاکری

تکثرگرایی دینی در قانون مجازات اسلامی * محسن حمیدی پور

آثار و شرایط دادرسی غیابی در حقوق ایران و فرانسه * سید جعفر هاشمی باجگانی، مصطفی افضلی گروه

مسئولیت کیفری دولت ها در قبال جرایم محیط زیستی در پرتو همکاری های منطقه ای و بین المللی * سجاد طیبی

تحلیل عملکرد دیوان بین المللی دادگستری در پرونده نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان جمهوری اسلامی ایران

و ایالات متحده آمریکا * محمد ستایش پور، عیسی پودات

چالش های فلسفی، مفهومی تروریسم در مواجهه با حقوق بشر * نوروز کارگری

تحلیل اقتصادی آثار جاتی ناشی از استفاده اموال با مطالعه حقوق ایران * یداله دادگر، اکرم احسانی

کارکردها و چالش های میانجیگری در ایران (با نگاهی به برخی از کشورهای اروپایی و اسناد بین المللی)

* سید عباس موسوی

حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران و اسلام * علی اکبری، مهدی فلاحیان

حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی * غلامرضا ایزدپناه، وجیهه ایزدپناه

تحلیل ترور دانشمندان هسته ای ایران از منظر حقوق داخلی و بین الملل * محمدخلیل صالحی، محمد سلمانی فرهمند

آثار قرارداد بیعه عمر از منظر فقه امامیه و حقوق ایران * سید سجاد خالونی تفتی

حمایت از قضات ادارات در عصر سیاسی سازی: ارزیابی استقلال قضائی و ثبات رأی در دادرسی اداری * رضا طجرلو،

محمدجواد شفق، فاطمه مافی

حقوق بزه دیدگان و بزه کاران در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه: نقدها و چالش ها * صادق فتیلی، ابراهیم مقدم

بررسی و تحلیل تعهد به رعایت احتیاط در حقوق کامن لاء * رضا حسین گندمکار، فرزاد کریمی کلمتی

مطالعه تطبیقی ارزیابی هزینه جرم در حقوق کیفری و فقه شیعه * اسماعیل کشکولیان، مهدی نقوی

در آمدی بر نظریه شخصیت حقوقی در فقه امامیه * سید علیرضا امین

بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری ها در رویه قضائی * سید وحید میرنظامی، فائزه بهادر

جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران و آمریکا * احمدرضا کنارکوهی، سلامه ابوالحسنی

اهمیت ایجاب در قانون مدنی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی * مرتضی جوان سرند



Examining the Pillars of Civil Liability of Municipalities in Judicial Procedure

بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری‌ها در رویه قضائی

Sayed Vahid Mirnezami

Master of Public Law, Islamic Azad University, Arak Branch, Arak, Iran (Corresponding Author)

سید وحید میر نظامی
کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران
(نویسنده مسئول)

mirnezamivahid45@gmail.com

Faezeh Bahador

Master of Law in Registration of Deeds and Property, Islamic Azad University, Naragh Branch, Naragh, Iran

فائزه بهادر
کارشناس ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق، ایران

faezeh.bahador@gmail.com

Abstract

Analysis of civil liability in the field of urban management is the main issue of the present article. Examining the pillars of civil liability in urban management, civil liability of urban management in compensating for damages caused by legal duties and reviewing civil liability in the field of urban management in the judicial procedure has been the main focus of the research which has been done by descriptive-analytical method. The most important pillars of civil liability in urban management are fault, the existence of damage, the commission of a harmful act and the causal relationship. From this hypothesis, it can be concluded that in case of non-rebellion and fault, the government is responsible in the first place, and it can be said that the meaning of this tradition is that in proving the civil liability of the government, the theory of creating danger and fault. Administrative is the absolute responsibility of the government, the accepted view is accepted. In the event that the act of the person causing the damage causes other material or moral damage, the court shall, after considering and proving the matter, sentence him to compensate the said damage. Therefore, the necessity of certainty and certainty makes it claimable, that is, the condition for the ability of a person to claim is to be definite and certain. Civil liability in the field of urban management has played an important role in the judicial process in recent years, and in cases such as the fault of the contractor, contingencies and damages for property destruction have received more attention than others. In this regard, two examples of votes issued in this regard were mentioned.

Keywords: Civil Liability, Urban Management, Municipality, Compensation.

چکیده

واکای مسئولیت مدنی در حوزه مدیریت شهری مسئله اصلی مقاله پیش رو می باشد. بررسی ارکان مسئولیت مدنی در مدیریت شهری، مسئولیت مدنی مدیریت شهری در جبران خسارت ناشی از تکالیف قانونی و بررسی مسئولیت مدنی در حوزه مدیریت شهری در رویه قضائی محور کلی پژوهش بوده است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. مهم ترین ارکان مسئولیت مدنی در مدیریت شهری تقصیر، وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و رابطه سببیت است. از این فرضیه می توان نتیجه گرفت که در صورت عدم تمرد و تقصیر، به طریق اولی دولت مسئول است و اصلا می توان گفت مفاد و مدلول این سنت آن است که از نظر شرعی در اثبات مسئولیت مدنی دولت، نظریه ایجاد خطر و در باب تقصیر اداری مسئولیت مطلق دولت، دیدگاه مورد قبول واصل پذیرفته شده به شمار می آید. در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی دیگری شود، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید. بنابراین قطعی و مسلم بودن ضرور آن را قابل مطالبه می نماید یعنی شرط قابلیت مطالبه فرد این است که قطعی و مسلم باشد. مسئولیت مدنی در حوزه مدیریت شهری در رویه قضائی در سالیان اخیر جایگاه مهمی دارد و در مواردی از قبیل تقصیر پیمانکار حوادث غیرمتوقعه و خسارت تخریب اموال بیش از سایر موارد مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا نیز دو نمونه از آرای صادره در این خصوص ذکر گردید.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، مدیریت شهری، شهرداری، جبران خسارت.

Received: 2021/09/28 - Review: 2021/12/19 - Accepted: 2022/01/29

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹

ارجاع:

میرنظامی، سید وحید؛ بهادر، فائزه؛ (۱۴۰۰)، بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری ها در رویه قضایی، تمدن حقوقی، شماره ۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

مسئولیت و تکالیف از منظر علم حقوق، واجد گونه های مختلفی است. شاید مهم ترین نوع مسئولیت و تکالیف، وجود مسئولیت قانونی است. در مجموع مسئولیت، پاسخگوئی به تخلفانی است که شخصی نسبت به تعهدات و وظایف خود مرتکب شده و مسئول کسی است که فریضه ای بر ذمه دارد که اگر به آن عمل نکند از او بازخواست می شود و بدیهی است هر تلف و زیانی که به وسیله عمل دیگری تحقق یابد، خواه منشأ آن بی احتیاطی، اهمال یا عدم اطلاع از امری که دانستن آن لازم است یا خطای مشابه هرچند بسیار سبک باشد، باید به وسیله کسی که بی احتیاطی یا خطای دیگری داشته جبران شود زیرا این عمل ظلمی است که اعمال شده است هرچند فاعل قصد اضرار نداشته باشد. بنابراین تصور اشخاص و سازمان ها مانند شهرداری ها، ادارات راه و ترابری، برق، آب، گاز، مخابرات یا پیمانکاران آن ها هنگام انجام عملیات اجرائی برخاسته از مسئولیت و تکالیفی است که این اشخاص برعهده دارند و کوتاهی ایشان در انجام وظایف و مسئولیت های خود همچون عدم نصب علائم استاندارد و عدم رفع نقص و بی توجهی به ضوابط ایمن سازی در صورتی که منجر به وقوع اتفاقات مرگباری گردد و صدمات و هزینه های جبران ناپذیری بر مردم تحمیل می نماید، مشمول مسئولیت مدنی و جبران خسارت است.

مسئولیت مدنی لزوم جبران خسارتی است که از ناحیه شخصی خارج از الزامات قراردادی و یا اعمال مجرمانه به دیگران وارد می آید و با وجود این در تعبیر دیگر مسئولیت مدنی شاخه ای از مسئولیت حقوقی است. بدین معنی که تعهد و الزامی که شخص نسبت به جبران زیان وارده به دیگری دارد، اعم از آن که زیان مذکور در اثر عمل شخصی یا عمل اشخاص وابسته به او ناشی شده باشد که شامل مسئولیت و تکالیف قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد (مسئولیت قهری) می شود. فی الواقع

مسئولیت قراردادی هنگامی وجود دارد که بر اثر نقض وظیفه ای قانونی زبانی به کسی رسد. مدیریت شهری به عنوان یک سیستم اداری، محلی و غیرمتمرکز، اداره امور شهر را بر عهده دارد و در کلان امر از نظارت عمومی دولت ها خارج است و به عنوان یک سازوکار محلی شناخته می شود که ارگان ها و سازمان هائی همچون شهرداری، شورای شهر و دیگر نهادهای ذیربط را شامل می گردد. بر همین مبنا می توان گفت که مدیریت شهری و نهادهای متشکله آن در رهگذر انجام تکالیف و وظایف خود ممکن است موجبات ورود خسارت به دیگران را فراهم آورند، که این خسارت در حوزه مسئولیت کیفری و مدنی مورد توجه قرار گرفته است. در این باب ممکن است، مدیریت شهری در اجرای تکالیف و وظایف کلی خود گونه هائی عام و ویژه از مسئولیت را داشته باشند. مثلاً ممکن است در عرصه هائی همچون اجرای قوانین و مقررات مسئولیت های ناشی از مالکیت بر معابر، بناها و اقدام به تملک قانونی اراضی و ابنیه موجد مسئولیت برای شهرداری باشد. هرچند که در مقابل مواردی وجود دارد که شهرداری علیرغم ورود زیان، مسئول شناخته می شود که این موارد را می توان چنین برشمرد: تقصیر زیان دیده، فعل ثالث و علل موجهه چون دفاع مشروع، اجرای قانون و اعمال برخاسته از اضطرار تکالیف و مسئولیت این نهادها (باقری سجیرانی، ۱۳۹۷، ۲).

امروزه این فکر که اشخاص حقوقی حقوق عمومی به دلیل آن که فعالیت آن ها در جهت مراعات منافع عمومی است مسئولیتی نداشته باشند مردود است و جایگاهی در حقوق پیشرفته کنونی ندارد. در بیان اهمیت و جایگاه مسئولیت مدنی همین بس که امروزه حجیم ترین دعاوی کلیه بخش های مربوط به حقوق مدنی را دعاوی راجع به مسئولیت مدنی تشکیل می دهند که این امر به خاطر پیشرفت روزافزون جامعه و افزایش میزان کمی خسارات است. در نظام زندگی شهری با حاکمیت دولت ها و سازمان های متولی مدیریت شهری مانند شهرداری ها، اداره محیط های عمومی به نمایندگی مردم مستلزم مدیریتی نوین است. در این میان، گاهی تدبیر امور شهری با اجرای طرح های عمومی و تملک اراضی همراه می شود و سؤالاتی را در موضوع احترام به حقوق مالکانه اشخاص در تقابل با مصالح عمومی مطرح می سازد (وحدانی نیا، ۱۳۹۷، ۱۰).

مضافاً این که اهمیت مبحث مسئولیت مدنی را از لحاظ نظری نیز نباید فراموش کرد زیرا، صرفاً با اتکاء به چند ماده انگشت شمار قانونی که مقنن در سال ۱۳۳۹ به عنوان قانون مسئولیت مدنی وضع نموده نمی توان به تمام دعاوی راجع به مسئولیت مدنی در محاکم پاسخ گفت و فصل خصومت نمود. البته در این راستا نباید از نقش احکام و قواعد فقهی غافل ماند زیرا با تمسک به برخی از قواعد فقهی مانند اتلاف یا تسبیب و... می توان بسیاری از مسائل راجع به مسئولیت مدنی را خصوصاً در بخش ضمان قهری

پاسخ داد. مضافاً این که تعدادی از این قواعد در قالب مواد قانونی مورد توجه مقرر نیز قرار گرفته است. با عنایت به توسعه شهرها و نهادهای سازمانی دخیل در مدیریت شهری در سالیان اخیر پرونده های حقوقی موجود در مراجع قضائی در این زمینه افزایش بسیار زیادی داشته است، با این حال پژوهش های زیادی در این زمینه انجام نشده است و همین مسئله اهمیت و ضرورت موضوع را روشن می سازد.

۱- مسئولیت مدنی

بر مبنای تعریف عام در هر مورد که شخص قاضی ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. بر مبنای تعریف مذکور، زیان دیده، طلبکار و مسئول، بدهکار و موضوع بدهی جبران خسارت نامیده می شود و مسئول کسی است که باید آثار خطائی را که مرتکب شده تحمل نماید و هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. اگرچه مسئولیت اخلاقی باشد لیکن مسئولیت مدنی و اخلاقی با یکدیگر تفاوت دارند به لحاظ این که مسئولیت اخلاقی به معنای شرمساری وجدان است که بیشتر جنبه شخصی دارد در حالی که مسئولیت مدنی جنبه نوعی و اجتماعی دارد و معیار آن رفتار متعارف و متداول افراد جامعه است. در مسئولیت مدنی ورود ضرر تجلی خارجی فعل یا ترک فعل زیانبار می باشد که خسارت وارده شرط تحقق مسئولیت مدنی است (سلمانیان، ۱۳۹۴، ۱۰۹).

۲- مفاهیم

۱-۲- مفهوم تقصیر

طبق ماده ۹۵۳ قانون مدنی «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط» و طبق ماده ۹۵۱ همین قانون «تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری» و طبق ماده ۹۵۲ قانون مذکور «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است».

۲-۲- مفهوم ضرر

هرچند که ارائه تعریف جامع و کامل از بعضی از موضوعات حقوقی بسیار دشوار است ولی برای نزدیک شدن ذهن به درک مفهوم ضرر می توان گفت: «ضرر عبارت از هر کاستی و نقصانی است که بر مال و حقوق مالی یا جسم یا حیثیت و شهرت یا عواطف شخص، به طور ناروا و ناخواسته، از طرف دیگری وارد شود.» این تعریف نسبتاً با تعریف بعضی از فقهاء که ضرر را به مطلق نقصان و کاستی در نفس یا عضو یا مال و حیثیت تعریف کرده اند،^۱ مشابهت و نزدیکی دارد ولی تفاوت عمده آن، در این است که در این تعریف مطلق نقصان ضرر محسوب نشده، بلکه نقصانی ضرر محسوب شده، که غیر-

۱- ان الضرر عبارة عن فوت ما يجده الانسان من نفسه و عرضه و ماله و جوارحه، فاذا نقص ماله و طرف من اطرافه بالاتلاف او التلف او زهق روحه او هتك عرضه بالاتخيار او بدونه، يقال انه تضرر به بل يعد عرفاً عدم نفع بعد تماميته المقتضى له من الضرر ايضاً.

ارادی و تحمیلی باشد زیرا عرفاً نقصانی ضرر محسوب می‌شود که ناخواسته باشد. نقصانی که ارادی است، مانند هبه و یا مواردی که شخص اقدام به ایراد نقصان بر خویش می‌نماید، تخصصاً از موضوع و مفهوم ضرر خارج است (خوانساری نجفی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ۳۷۸). بنابراین، به نظر می‌رسد که مفهوم ضرر انصراف به کاستی و نقصانی دارد که به طور ناروا و ناخواسته بر شخص تحمیل گردد و موارد نقصان ارادی، مانند هبه و غیره، را شامل نگردد و عرفاً چنین نقصانی ضرر محسوب نشود (باریکلو، ۱۳۹۳، ۶۸).

۲-۳- مفهوم مدیریت شهری

مدیریت شهری به تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که به صورت رسمی یا غیررسمی در فرآیند مدیریت شهر اثرگذار هستند. پس مدیریت شهری فقط شهرداری و شورای شهر نمی‌باشد و هر عنصری که به شکلی در فرآیند مدیریتی شهر اثری دارد در این حیطه قرار دارد (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۵).

۲-۴- ارکان مسئولیت مدنی مدیران شهری

مسئولیت مدنی دولت و شهرداری‌ها در قبال شهروندان حوزه‌ای از مسئولیت در قانون اساسی و منابع معتبر فقهی محسوب می‌گردد به خصوص در عرصه هائی از زندگی صنعتی امروزی که شهرداری‌ها فعالیت کاملاً انحصاری دارند به نحوی محسوس و شفاف تر است. اساساً مردم در یک ارتباط شهری از خدمات شهرداری بهره‌مندند و به همان نسبت از نتایج زیانبار آن برخوردار می‌شوند؛ در این فرآیند زیان دیدگان اسباب و وسایل تحقیق و اطمینان از سلامت و صحت اعمال شهرداری را در اختیار نداشته و از سوی دیگر اساس این تحقیق منطق اجتماعی و ضمانت اجرایی ندارد و در نظام‌های مختلف سیاسی این امر از وظایف تعریف شده دولت بوده و تابع مقررات قانونی خاص می‌باشد. در این راستا توجه به مسئولیت مدنی و مبانی مسئولیت شهرداری حائز اهمیت است (ترک، ۱۳۷۶، ۳۲).

۲-۵- تقصیر یا خطای اداری

تقصیر اداری عبارت از نقض قوانین و مقررات اداری است که عمدتاً بر محورهای همچون اعمال حقوقی غیرقانونی، تخطی از صلاحیت‌ها و خودداری از انجام وظایف قانونی استوار است (موسی زاده، ۱۳۷۸، ۲۵۴). پس هرگاه سازمان و نهاد دولتی یا کارمند دولت به این موارد مبادرت ورزد، می‌توان گفت تقصیر اداری به وقوع پیوسته است اما نکته مهم و قابل توجه در این رابطه آن است که در صورت تقصیر سازمان با نهاد دولتی، مسئولیت آن به طور آشکار بر عهده دولت است، اما اگر حادثه زیانبار به طور کامل یا به طور نسبی معلول دخالت کارمندان دولت باشد، مسئله قدری پیچیده و مبهم می‌شود. زیرا حدود تقصیر اداری و شخصی نامعین است و ملاک روشنی برای تمیز آن دو از یکدیگر

وجود ندارد. به بیان دیگر، داوری در مورد این که حادثه زیان آور، ناشی از تقصیر اداری و نقص فنی و تشکیلاتی اداره یا برخاسته از تقصیر شخصی کارمند و سوءاستفاده وی از قدرت اداری بوده است، بسیار دشوار می باشد. بدین لحاظ، برخی از صاحب نظران دو گونه مسئولیت مستقیم و غیرمستقیم را برای دولت مطرح نموده اند. در مسئولیت غیرمستقیم، میان تقصیر اداری و شخصی بر اساس معیارهای رعایت حدود متعارف وظایف و انجام یا خودداری از اعمال غیرمرتبط با وظایف تفکیک صورت می گیرد. لکن ابهام و اجمال این امور مانع از آن است که به عنوان معیار تشخیص، تقصیر اداری و شخصی پذیرفته شوند. اما در مسئولیت مستقیم، خطای اداری و شخصی تفاوتی ندارد و در هر حال، دولت نسبت به حادثه زیانبار مسئول شناخته می شود. بر این اساس، کارمندان نقش اعضای شخص حقیقی را نسبت به شخص حقوقی (دولت) ایفا می نمایند. هرچند این نظر هم با انتقادهای متعددی مواجه است و از این رو، نمی تواند قناعت بخش باشد.

بنابراین، به نظر می رسد تبیین مسئله در گرو آن است که اولاً، ماهیت سلسله کارمند دولت روشن شود و ثانیاً، معلوم گردد که ایجاد فرد از سوی وی عمدی است یا خطائی. برخی از صاحب نظران معتقدند که حق سلطه در اشیاء و اشخاص به دو طریق ثابت می شود یا از یاب ولایت (ذاتی یا جعلی) و یا از باب تولیت. صورت دوم، یعنی تولیت، از سوی دارندگان ولایت ذاتی یا مجعول به دیگران واگذار می شود و از این رو، ولی که دارای ولایت ذاتی یا جعلی است، دارای استقلال رأی و اطلاق در تصرف می باشد، اما متولی که از باب تولیت با ولایت تفویضی تصرف می کند، نه استقلال رأی دارد و نه اطلاق. از این تفاوت روشن می شود که سلطه مسئول اداری از باب تولیت است نه ولایت و کارمند اداری متولی است نه ولی و بر این اساس، باید تمام دستورات حکومت را بدون کم و کاست اجرا نماید (شمس الدین، ۱۳۶۹، ۴۴۲).

از سوی دیگر، امکان تمرد نسبت به قوانین و سوءاستفاده از قدرت اداری در مورد کارمند کاملاً منطقی است. اگر این مسئله را در کنار احتمال منطقی نقص سازمانی اداره قرار دهیم، حاصل جمع آن در پیدایش تقصیر اداری است که معلول دو عامل جداگانه، با نامشخص بودن میزان تأثیر هر کدام در خلق حادثه، می باشد. در این حالت است که مرز میان تقصیر اداری و شخصی به طور درست و دقیق قابل تعیین نمی باشد. یک راه حل این است که در تمام حالات عماد و خلا یا تقصیر و نفوره اداره و به طور غیرمستقیم، دولت، مدیون و موظف به جبران زیان باشد؛ زیرا معامله زیان دیده با کارمند اداری، شخصی نبوده، بلکه به عنوان شخصیت حقوقی و نمایندگی حکومت در رسیدگی به کارهای عامه صورت گرفته است. راه حل دیگر بر اساس قاعده اکل نفس بما کسبت رهینه، آن است که اجرای این

قاعده ایجاب می‌کند هرگاه خسارتی در نتیجه تقصیر کارمند و نقص وسایل اداری به بار آید، کارمند و دولت هر دو، در برابر زیان دیده مسئول باشند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۴۳).

مطابق راه حل نخست، تمام مسئولیت به دوش دولت است و زیان دیده از آغاز می‌داند که طرف دعوا کیست. اما رسیدگی به عمد و خطای کارمند مربوط به روابط درونی سازمان با کارمند است و هیچ ربطی به زیان دیده ندارد. روابط کارمند و اداره همانند روابط اجیر و موجر یا وکیل و موکل است که فقط در حالات تعدی و افراط، ضامن شناخته می‌شوند. پس تقصیر کارمند نزد اداره زمانی محرز می‌شود که تعدد و افراط وی اثبات شود در این صورت، دولت مطابق مقررات به آن رسیدگی خواهد نمود و در غیر آن، کارمند هیچ‌گونه ضمانتی ندارد. طبق این نظر، کارمند در واقع، به دولت زیان می‌رساند و از این رو نوع عمل او مطابق با موازین داخلی سازمان تعیین و ارزیابی می‌گردد. اما بر اساس راه حل دوم، با توجه به تعدد اسباب، مسئولیت تضامنی شکل می‌گیرد. در این صورت، طرف دعوا متعدد است و تعیین این‌که چه کسی باید زیان را بپردازد در اختیار زیان دیده است. در حالت دوم، اشتراک در ضمان و در حالت اول چند وجه متصور است: جمعی سبب متقدم را ضامن می‌دانند، بعضی قول به اشتراک را پذیرفته و گروهی هم ضمان را بر عهده سبب قوی تر می‌گذارند. لکن باید دانست که اگر اسباب تلف همگی عدوانی اند و یا استناد به همه آن‌ها صحیح است، در این صورت، حکم به اشتراک ضمان می‌شود و تمام اسباب، موظف به جبران خسارت می‌باشند. در غیر آن، بعید نیست که ضمان بر عهده کسی باشد که تعدد داشته است (خیمینی، ۱۳۶۹، ۱۸۱).

بنابراین، اگر تقصیر کارمند و نقص اداری هر دو به سبب زیان باشد، باید دید اولاً، کدام یک اسبق بوده است و ثانیاً، کدام یک اقوا است. در مرحله بعد، با توجه به صدق اسناد عرفی تلف به هر دو، می‌توان گفت اشتراک در ضمان و مسئولیت تضامنی موجه تر است. لکن نکته مهم و قابل توجه در این مورد آن است که امور جمعی دارای آثار و ضرورت‌های ویژه است و نباید آن‌ها را ترکیب ساده‌ای از تصمیمات شخصی به حساب آورد. پس می‌توان نتیجه گرفت که مسئول دانستن دولت از قوت بیشتری برخوردار می‌باشد. صورت سوم مسئله آن است که ثابت شود صرفاً تقصیر شخصی کارمند، عامل زیان بوده است. در این حالت، نه مسئولیت مطلق دولت و نه مسئولیت تضامنی، بلکه مسئولیت مطلق کارمند قابل طرح و بررسی است. چنان‌که به اجماع فقها، اگر قاضی خطا کند و در اثر آن تلفی پدید آید، اگر در اجتهاد و بررسی خویش کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست؛ زیرا قاضی دارای حسن نیت دانسته می‌شود و از این حیث، جبران خسارت بر عهده بیت المال خواهد بود. از این مسئله می‌توان نتیجه گرفت که در صورت عدم ترمد و تقصیر، به طریق اولی دولت مسئول است و اصلاً می‌توان

گفت مفاد و مدلول این سنت آن است که از نظر شرعی در اثبات مسئولیت مدنی دولت، نظریه ایجاد خطر و در باب تقصیر اداری مسئولیت مطلق دولت، دیدگاه مورد قبول و پذیرفته شده به شمار می آید (نجفی، ۱۳۹۷، ج ۴۰، ۶۰).

۲-۶- وجود ضرر

هرجا که نقص در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت، حیثیت و عواطف شخص لطمه ای وارد آید گویند ضرری به بار آمده است. وجود ضرر در تحقق مسئولیت مدنی دولت از ضرورت های فعلی به شمار می رود. هرگونه تجاوز عملی یا خطاکارانه در اموال یا منفعت مالی که از دست برود و یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه ای وارد آید عنصر ضرر که از ارکان مسئولیت مدنی می باشد تحقق یافته است (خانی، ۱۳۸۷، ۴۰). هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است لذا وجود ضرر به طور طبیعی مقدم بر جبران آن خواهد بود. بنابراین قطعی و مسلم بودن ضرور آن را قابل مطالبه می نماید یعنی شرط قابلیت مطالبه فرد این است که قطعی و مسلم باشد. به تعبیری مدعی خسارت باید ثابت کند که ضرر به او وارد شده است و به صرف احتمال ورود زیان نمی توان شهرداری را به جبران آن خسارت محکوم نمود.

۳- ارتکاب فعل زیانبار

ایراد ضرر به دیگری یا با فعل نامشروع انجام گیرد تا قابل جبران باشد، در این باره نیز ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ چنین می گوید: «هر کس بدون مجوز قانونی فعلی انجام دهد که موجب زیان دیگری شود، ضامن است.» اما در صورتی که فعل مشروع باشد مثل دفاع مشروع، اگر موجب خساراتی شود، مسئول خسارات نخواهد بود؛ همان طوری که ماده ۱۵ قانون مذکور نیز مؤید آن است.^۲

۴- انواع زیان های قابل جبران به وسیله دولت

۴-۱- زیان های قابل انتساب به شهرداری

مقصود از زیان های قابل انتساب به شهرداری، زیان هائی است که در واقع از اعمالی ناشی می شود که خود شهرداری به انجام آن ها مبادرت ورزیده است. در این گونه زیان ها در واقع شهرداری عامل اصلی ورود زیان به اشخاص محسوب می شود. این قبیل اعمال، در دسته بندی جزء اعمالی هستند که به طور سنتی و نه واقعی در زمره مسئولیت بدون تقصیر دولت و شهرداری قرار می گیرند. یعنی با حذف عنصر تقصیر و قراردادادن مسئولیت مطلق برای دولت، وی را ملزم به جبران خسارت می دانیم.

۲- ماده ۱۵: کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارات بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر این که خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.

دولت و شهرداری به عنوان شخصیتی حقوقی متفاوت با سایر اشخاص لاجرم از وارد آوردن زیان هائی بیشتر و سنگین تر از دیگران به واسطه انجام تکالیف قانونی خود می‌باشند. بدان معنا که انجام تکالیف قانونی مستلزم وارد آوردن خسارت به افراد است. در برآیند حاصل از انجام تکالیف قانونی و انجام خدمات اجتماعی و احترام به مالکیت خصوصی افراد، منافع عمومی، برقراری امنیت و آرامش در اجتماع، دولت‌ها بر آن شدند تا چنین وضعیت خاصی را پیش بینی نموده و تدارک لازم را مهیا سازند. پس وقتی دولت و شهرداری در اجرای قانونی و با تجویز صریح همان قانون مجبور به ورود خسارت به افراد می‌باشند قعطا و یقینا باید دارای متولی به جهت جبران خسارت زیان دیدگان باشند. در این موارد قانونگذار با صراحت زیان دیده را مستحق دریافت غرامت بدون نیاز به اثبات و تقصیر دولت دانسته است یعنی جائی که دولت مجبور به نادیده گرفتن مالکیت اشخاص از طریق تصرف و تملک، تخریب یا ملی کردن اموال آنان می‌باشد. یا به جهت اجرای نظم و امنیت در جامعه به جنگ پرداخته و جان و مال مردم را در معرض تفویض قرار می‌دهد و یا به اعمال محدودیت و یا ممنوعیت در انجام برخی از امور مانند صادرات و واردات می‌پردازد و مواردی از این قبیل، با وجودی که زیان با تجویز قانون انجام گرفته و دولت عمل خلاف قانونی انجام نداده است، دارای مسئولیت بدون تقصیر برای جبران خسارت می‌باشد. موارد بسیاری وجود دارد که طی آن دولت و شهرداری وقتی در مقام اعمال صلاحیت‌های خویش اند زیانی به افراد وارد می‌کنند. در فرض مطروحه، این زیان، زیانی نیست که در قانون پیش بینی شده باشد، به گونه‌ای که بتوان ورود آن را ناشی از مجوز قانونی دانست، بلکه عملکرد دولت به ناگاه و با وجود احراز کلیه شرایط و احتیاط‌های لازم، زیان هائی را به افراد وارد می‌آورد. در بهترین تعریف، این فرض مشابهت زیادی با نظریه خطر دارد که طی آن دلیل مسئولیت دولت، فعالیت خطرناکی است که به انجام آن مبادرت ورزیده است.

زیرا در کلیه موارد، این فرض دربردارنده فعالیت هائی است که ریسک انجام آن‌ها با دولت و شهرداری بوده و مسئولیت جبران دولت و شهرداری از همین امر ناشی می‌شود. این فعالیت‌ها می‌توانند دارای ماهیت زیانبار بوده و یا نباشند، اما خطر آن به گونه‌ای است که از قبل در قانون موارد آن احصاء شده و مسئولیت آن به عهده دولت گذاشته شده است. یعنی عمل قانونی است نه این که خود عمل غیرقانونی بوده ولی مجوز انجام آن توسط قانون صادر شده باشد، در این جا اعمال صلاحیت و انجام عمل باعث ورود زیان به افراد شده است و در قوانین بعضا پیش بینی شده است. انفجارات هسته‌ای، مانورهای نظامی، تولید کالا با مواد غذائی غیربهداشتی، غرق شدن کشتی‌ها و یا هواپیماهای

دولتی، انجام طرح های واکسیناسیون، انجام تمرینات تیراندازی توسط نیروهای مسلح، اجرای طرح هائی مانند ساخت بزرگراه ها و... مواردی هستند که در این فرض جای می گیرند.

در ایران نیز بر اساس فرض عنوان شده مواردی وجود دارد که شامل:

- پرداخت هزینه های مربوط به حوادث امنیتی و انتظامی انتخابات چنان که در بندهای «ب»، «ح»، «ط» و «ی» مصوبه شماره ۱۵۸۱۴/۴/الف/ش مورخ ۱۳۸۵/۰۷/۰۵ وزارت کشور پرداخت هزینه های مربوط به خسارات ناشی از حوادث امنیتی و انتظامی انتخابات به اشخاص حقیقی (چنان که عامل خسارات شناخته نشود) پرداخت خسارت به اشخاص حقیقی که در اثر اجرای طرح های امنیتی و انتظامی و اقدامات نیروهای خودی خسارت می بینند. جبران خسارت نیروهای خودی که در اثر اقدامات اشرار دچار خسارت می شوند.

- پرداخت خسارات مالی ذکر شده در تبصره دوم^۳ ماده واحده قانون برقراری حقوق وظیفه یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت نموده و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت می شوند مصوب ۱۳۷۲.

- ماده ۱۰^۴ قانون حفظ نباتات مصوب ۱۳۴۶ که به دولت اجازه معدوم کردن کشاورزی را برای جلوگیری از اشاعه آفات و بیماری های نباتی با پرداخت غرامت به کشاورزان می دهد.

- تبصره یک^۵ ماده ۹ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰.

۳- تبصره ۲: چنانچه افراد موضوع این قانون به علت برخورد با مواد منفجره، دچار ضایعات و خسارت های مالی شوند، از سوی استانداری های ذیربط خسارت ها و ضایعات وارد شده طبق ضوابط مندرج در آیین نامه اجرایی این قانون جبران می گردد، مشروط بر آن که علت حادثه، سهل انگاری آنان نباشد.

۴- ماده ۱۰: در مواردی که به منظور جلوگیری از اشاعه آفات و بیماری های نباتی معدوم کردن محصولات کشاورزی و یا نباتات و اشجار و یا بقایای آن ها به پیشنهاد شورای حفظ نباتات و تصویب وزارت کشاورزی ضروری تشخیص داده می شود به ترتیب زیر عمل خواهد شد: الف- در مورد زراعات تا چهار برابر قیمت شخم و بذر و هزینه نگاهداری بر حسب نوع آفت و نبات مورد کشت و دوران رشد آن طبق نظر اداره کشاورزی محل خسارت تعیین و پرداخت خواهد شد. ب- در مورد اشجار با نظر یک کمیسیون سه نفری مرکب از نماینده وزارت کشاورزی و یک نفر کارشناس که بر طبق مقررات دادگستری انتخاب می شود و صاحب اشجار یا نماینده او و در صورتی که چند نفر مشاعاً مالک اشجار باشند یک نفر به نمایندگی آنان خسارت را تعیین می کند و خسارت به میزان تعیین شده پرداخت خواهد شد. ج- معدوم کردن بقایای زراعات و اشجار و محصولات آلوده به آفات و بیماری های نباتی از طرف کشاورزان و صاحبان مزارع و باغات با اخطار کتبی سازمان حفظ نباتات در مدت تعیین شده لازم الاجرا است. د- هر گاه نباتی در مناطق ممنوعه کشت شده باشد معدوم کردن آن از طرف سازمان حفظ نباتات بدون پرداخت خسارت به عمل می آید.

۵- تبصره ۱: تقاضای جبران خسارت وارده باید حداکثر در مدت یک سال پس از سلب مالکیت یا ملی شدن به هیأت تسلیم شود.

۴-۲- زیان های غیر قابل انتساب به شهرداری

بحث واقعی در خصوص مسئولیت بدون تقصیر دولت و شهرداری را می توان در واقع ناشی از این دسته از زیان ها دانست. زیان هائی که دولت در وقوع آن ها هیچ نقشی ندارد. به گونه ای که ضرر وارد شده به افراد به هیچ وجه ناشی از عملکرد دولت و یا عوامل آن نیست، بلکه دولت به واسطه در نظر گرفتن مصالح اجتماعی که می تواند بسته به نوع جامعه، عدالت توزیعی، ایجاد نظم و امنیت و یا سیاستگذاری های مشروعیت طلبانه باشد، دست به جبران این قبیل خسارات می زند که با توجه به افزایش نقش دولت در ارتقای سطح زندگی شهروندان و انجام خدمات اجتماعی این مسئولیت دولت در حال افزایش است. در این دسته هر نوع خسارتی به وسیله دولت اعم از جانی و یا مالی با توجه به قوانین موجود جبران می گردد. پرداخت غرامت توسط دولت ناشی از شورش های خیابانی و اغتشاشات، برعهده گرفتن پرداخت خسارت بر اثر صدمات وارد شده حاصل از بیماری های مسری و طرح های واکسیناسیونی که بخش خصوصی اجرای آن را برعهده دارد در این دسته بندی جای می گیرد و تقریباً در اکثر نظام های حقوقی دنیا دارای جایگاه ویژه ای می باشد. در این خصوص کشور ما نیز یکی از کشورهائی است که قوانین ویژه ای را براساس این دیدگاه حمایتی تدوین نموده است.

از مهم ترین این موارد پراخت دیه هائی است که از بیت المال به آسیب دیدگان یا بازماندگان آن ها پرداخت می شود، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد «۳۳۳»^۶، «۳۳۴»^۷، «۴۳۵»^۸، «۴۷۰»^۹،

۶- ماده ۳۳۳: اگر لوٹ علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد و قسامه به همین گونه علیه آنان اقامه شود، جنایت بر عهده یکی از چند نفر، به صورت مردد اثبات می شود و قاضی از آنان می خواهد که بر براءت خود سوگند بخورند. اگر همگی از سوگند خوردن خودداری ورزند یا برخی از آنان سوگند یاد کنند و برخی نکنند، دیه بر ممتنعان ثابت می شود. اگر ممتنعان متعدد باشند، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می شود. اگر همه آنان بر براءت خود سوگند یاد کنند، درخصوص قتل، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل، دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می گردد.

۷- ماده ۳۳۴: اگر لوٹ علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد، چنانچه شاکی از آنان درخواست اقامه قسامه کند هر یک از آنان باید اقامه قسامه کند. در صورت خودداری همه یا برخی از آنان از اقامه قسامه، پرداخت دیه بر ممتنع ثابت می شود و در صورت تعدد ممتنعان، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می شود. اگر همگی اقامه قسامه کنند، در قتل، دیه از بیت المال پرداخت می گردد.

۸- ماده ۴۳۵: هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آن ها یا عدم تمکن آن ها، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل، دیه بر بیت المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ دیه، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیر قتل، ممکن شود در صورتی

«۴۷۳»، «۴۷۴»^{۱۱} و «۴۸۴»^{۱۲} دستور پرداخت دیه را از بیت المال صادر نموده است. ماهیت و جایگاه دیه بسته به این که دارای دیدگاهی عمومی باشیم یا خصوصی متفاوت است. در مواردی که دیه از طریق بیت المال (دولت) پرداخت می شود، جبران خسارت هدف اصلی محسوب می شود، در این موارد دیه را که می توان جزء حقوق مدنی و نه حقوق کیفری دانست، نوعی ابتدائی از تأمین اجتماعی است (بادینی، ۱۳۸۴، ۳۲۶) که در قلمرو حقوق عمومی، بر مبنای عدالت توزیعی و به عنوان گونه ای از حقوق شهروندی محسوب می شود. علاوه بر پرداخت دیه از جانب دولت به عنوان نمونه می توان از جبران خسارت در زیان های غیرقابل انتساب به فعل دولت می توان از پرداخت هائی نام برد که دولت به اشخاص حقیقی زیان دیده در اثر نزاع های جمعی، در اثر بمب گذاری ها و اقدامات آتش سوزی عملی ضدانقلاب ها و اشرار، سرقت های مسلحانه، غارت و راه بندی ها، اغتشاشات و بحران ها، گروگانگیری های غیرتسویه حسابی که اشرار و ضدانقلاب ها انجام می دهند، پرداخت دیه هائی که به خانواده هائی که وابستگان آن ها در اثر اقدامات اشرار و ضدانقلاب ها مجروح شده و یا به قتل می رسند و جبران خسارات نیروهای خودی که در اثر اقدامات اشرار دچار خسارت می شوند بر اساس مصوب ۱۵۸۱۴/۲۷/۴/الف/ش مورخه ۱۳۸۵/۰۷/۰۵ وزارت کشور اشاره نمود. علاوه بر این پرداخت ها می توان از ماده «۱۰»^{۱۳} قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری

که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی علیه محفوظ است، لکن باید قبل از قصاص، دیه گرفته شده را برگرداند.

۹- ماده ۴۷۰: در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت المال پرداخت می شود. در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست.

۱۰- ماده ۴۷۳: هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه برعهده بیت المال است.

۱۱- ماده ۴۷۴: در جنایت شبه عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت المال پرداخت می شود.

۱۲- ماده ۴۸۴: در موارد وقوع قتل و عدم شناسایی قاتل که با تحقق لوث نوبت به قسامه مدعی علیه برسد و او اقامه قسامه کند، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر موارد لوث چنانچه نوبت به سوگند متهم برسد و طبق مقررات بر عدم انجام قتل سوگند بخورد دیه از بیت المال پرداخت می شود.

۱۳- ماده ۱۰: به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت های بدنی خارج از شرایط بیمه نامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (۷)) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت خواهد شد...

زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ یاد کرد که بر اساس آن، دولت با تأسیس صندوقی به نام تأمین خسارت های بدنی اقدام به پرداخت خسارت های بدنی وارد به اشخاص می نماید که در آن حادثه یا مقصر فاقد بیمه نامه بوده و یا به طور کلی مسئولی برای حادثه رخ داده وجود نداشته باشد. همانطور که می دانیم در ایران بعد از وقوع جنگ تحمیلی، خانواده های زیادی فرزندان و با سرپرست خود را از دست دادند و تعداد زیادی از رزمندگان نیز بر اثر آسیب های ناشی از جنگ صدمه هائی دیدند که به واسطه آن در تمام عمر خود از مزیت سلامتی محروم ماندند. به همین خاطر دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام به تأمین بنیاد شهید، و بنیاد امور جانبازان نمود. که این دو بنیاد خدماتی مانند پرداخت مقرری به خانواده شهدا و جانبازان نمودند. هرچند اندیشمندانی وجود دارند که وقوع جنگ را منتسب به دولت دانسته و یا نهایتاً مسئولیت دولت در خصوص آن را ناشی از نظریه خطر عنوان می کنند، اما به نظر می رسد، مهم ترین دلیل تشکیل این بنیادها و خدماتی که حتی با وجود گذشت چندین سال از اتمام جنگ تحمیلی ادامه یافته، همان مسئولیت بدون تقصیر دولت در راستای اعمالی است که قابل انتساب به فعل دولت نیست زیرا که وقوع جنگ را نمی توان ناشی از فعل دولت دانست و با وجود حمله عراق به ایران، کشور ما در مقام دفاع از خود و به اجبار وارد جنگ شد. در این راستا نیز رعایت انصاف، برقراری عدالت توزیعی و حمایت از حقوق آسیب دیدگان و خانواده های آنان اساسی ترین مبنای حمایتی دولت است.

۵- رابطه سببیت

صرف وجود ضرر و ارتکاب عمل نامشروع موجب جبران خسارت نمی شود و باید بین ضرر وارده، عامل و فعل زیانبار، رابطه سببیت احراز شود به طوری که عرف نیز به آن شهادت دهد. به عبارت دیگر لازم دانستن رابطه سببیت بین ضرر و عامل وقوع آن امری معقول است پس برای این که مسئولیت دولت تحقق پیدا کند، لازم است بین زیان و امری که سبب وقوع آن شده است رابطه علیت احراز گردد. یعنی زیان نتیجه عملی فعل زیانبار تلقی شود. اما این امر را می توان یک قاعده عمومی دانست که دارای استثنائاتی است. اولین مورد وقتی است که قانونگذار فرض را بر تقصیر دولت گذاشته است و در این مورد نیازی به اثبات وجود رابطه سببیت میان زیان و عمل دولت وجود ندارد. ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز از جمله این موارد است که هنگامی که کارگر دولتی زیانی به بار می آورد، کارفرما مسئول جبران خسارات است که تنها خواهان نیازمند اثبات وقوع زیان است و نه رابطه

علیت^{۱۴}؛ دومین مورد وقتی است که قانونگذار صرف وقوع زیان را برای اثبات مسئولیت بدون تقصیر دولت کافی می‌داند. در این موارد دولت بدون این که هیچ گونه نقشی در وقوع زیان از سوی کارکنان خود داشته باشند، مسئول شناخته می‌شود، یعنی صرف این که خسارتی به بار آید دولت مسئول جبران آن است. دولت عملاً دخالتی در وقوع زیان نداشته است تا بتوان رابطه سببیتی بین ضرر و دولت جاری دانست همچنین در مواردی مانند قوه قاهره، اکثر کشورها به وقوع مسئولیت و قرار دادن بودجه ای برای این گونه حوادث نظر دارند. یک رابطه مستقیم بین عمل (عمل مثبت و ترک فعل) وجود دارد.

۶- نمونه رای مسئولیت شهرداری نسبت به خسارات وارده به شهروندان حتی در فرض تقصیر پیمانکار

چکیده رای: سپردن عملیات عمرانی از سوی شهرداری به شرکت‌های پیمانکاری رافع مسئولیت شهرداری در رعایت نکات ایمنی خیابان‌ها نیست و چنانچه در اجرای پیمانکاری خسارتی به شهروندان وارد شود، شهرداری مسئولیت دارد و خطای پیمانکار موجب مسئولیت و پاسخگویی وی نسبت به شهرداری خواهد بود.

رای بدوی^{۱۵}: شرکت به خواسته مطالبه دوازده میلیون ریال بابت خسارات ناشی از تصادف خودرو و هزینه‌های کارشناسی با احتساب هزینه دادرسی بدین شرح که خواهان مالک یک دستگاه خودرو سواری پژو ۲۰۶ به شماره انتظامی ... می‌باشد که در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴ در خیابان شهید سبازی آجودانیه در مسیر شمال به جنوب بعد از تقاطع پورابتهاج در حال حرکت بوده است که خودرو وی با موانع ایجاد شده در خیابان، برخورد و به خودرو وی از ناحیه چپ، جلوبندی، گلگیر، کاپوت، رادیاتور و فن خسارت وارد شده است و به لحاظ این که رعایت اصول ایمنی از سوی خواندگان صورت نگرفته و کارشناس رسمی دادگستری پنجاه درصد تقصیر را متوجه خواننده دانسته است و مجموع خسارت وارده به خواهان بیست میلیون ریال بوده و مبلغ دو میلیون ریال نیز بابت هزینه کارشناسی پرداخت کرده است. لذا خواهان تقاضای محکومیت خواننده را به شرح خواسته نموده است. این دادگاه در خصوص دعوی خواهان به طرفیت خواننده ردیف اول با توجه به دادخواست تقدیمی

۱۴- ماده ۱۲: کارفرمایی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و با کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر این که محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال نصبه ایجاب می‌نموده به عمل آورده و با این که اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به وارد کننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.

۱۵- دادنامه شماره ۱۱۰۷-۱۳۹۰/۱۲/۲۳- شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی تهران

خواهان و نظریه کارشناس رسمی دادگستری سرهنگ م.س. مبنی بر این که پنجاه درصد تقصیر به لحاظ عدم رعایت نظامات دولتی و نقض مفاد ماده ۲۱۲ آیین‌نامه راجع به مسئولیت ایمن سازی برعهده خواننده ردیف اول بوده است و بر مبنای نظر کارشناس رسمی در مرحله تأمین دلیل، مبلغ بیست میلیون ریال به خودرو خواهان خسارت وارد شده است و با توجه به این که بر مبنای استعلام به عمل آمده از اداره راهور ناجا خودرو مذکور به نام خواهان ثبت شده است و با عنایت به این که خواننده ردیف اول علیرغم ابلاغ قانونی حاضر نشده و هیچگونه ایراد و دفاعی به عمل نیاورده است؛ لذا این دادگاه دعوی خواهان را به طرفیت خواننده ردیف اول وارد و محمول به صحت تشخیص و مستنداً به مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۳۳۱ و ۳۳۵ قانون مدنی و مواد ۱۹۸ و ۵۰۲ و ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم به محکومیت خواننده ردیف اول به پرداخت دوازده میلیون ریال بابت اصل خواسته و مبلغ دویست و دو هزار ریال بابت هزینه دادرسی صادر و اعلام می‌نماید و در خصوص دعوی خواهان به طرفیت خواننده ردیف دوم با توجه به این که خواننده ردیف دوم فاقد شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد. لذا این دادگاه مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار رد دعوی خواهان را به طرفیت خواننده ردیف دوم صادر و اعلام می‌نماید. قرار صادره حضوری محسوب و ظرف مهلت بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران می‌باشد و حکم صادره غیابی محسوب و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و پس از آن ظرف مهلت بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رای دادگاه تجدیدنظر^{۱۶}: تجدیدنظرخواهی شهرداری تهران به طرفیت آقای ح.ر. نسبت به دادنامه شماره ۱۱۰۷-۹۰/۱۲/۲۳-۱۰۷ شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی تهران در آن بخش که تجدیدنظرخواهان محکوم به پرداخت خسارات وارده به اتومبیل تجدیدنظرخواننده در اثر برخورد با موانع موجود در خیابان با احتساب خسارت دادرسی در حق تجدیدنظرخواننده شده، متضمن علل و جهاتی که نقض دادنامه را ایجاب نماید، نبوده و خدشه ای به رأی وارد نیست. زیرا برخلاف دفاعیات نماینده تجدیدنظرخواهان متولی انجام عملیات عمرانی در سطح شهر، شهرداری است و سپردن عملیات مذکور به شرکت‌های پیمانکاری رافع مسئولیت شهرداری نسبت به شهروندان نیست و اگر قصور از ناحیه پیمانکاران در ارتباط با قرارداد با شهرداری صورت گرفته باشد مطابق شرایط قرارداد پاسخگو شهرداری خواهد بود

که منصرف از موضوع پرونده است. علی‌ای حال با رد اعتراض مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دادنامه مذکور تأیید می‌شود. این رأی قطعی است.

۷- نمونه رای مسئولیت شهرداری نسبت به خسارات ناشی از درختان

چکیده رای: مسئولیت شهرداری‌ها نسبت به خساراتی که از شکستگی درختان در محدوده شهری به بار می‌آید، منوط به اثبات تقصیر شهرداری است.

رای بدوی^{۱۷}: در خصوص دعوی آقای (ح.ن.الف) به طرفیت شهرداری منطقه سه تهران، با نمایندگی حقوقی خانم (ش.ح) به خواسته مطالبه خسارت وارده به یک دستگاه پراید جی.ال.ایکس.آی، مدل ۱۳۸۹ رنگ خاکستری نوک مدادی متالیک به شماره انتظامی ...، به مبلغ دوازده میلیون و پانصد هزار ریال و هزینه دادرسی و کارشناسی در پرونده تأمین دلیل به شرح اوراق پرونده با این توضیح که خواهان در دادخواست مذکور بیان نمود که در حین حرکت از خیابان جردن، بلوار ستاری، بر اثر سقوط درخت و شکسته شدن شاخه‌های آن، به وسیله نقلیه وی خسارت وارد شده که کارشناس منتخب در پرونده تأمین دلیل حوزه ۱۰۴ شورای حل اختلاف میزان خسارت وارده را جمعاً به مبلغ خواسته اعلام نموده است، خواننده در لایحه دفاعیه به شماره ۲۴۸۵-۹۰/۹/۲۸ اظهار داشت: «در دادخواست تقدیمی، خواهان علت خسارت وارده را افتادن درخت بر روی خودرو اظهار نموده اند، نظر به این که عوامل متعددی می‌توانند باعث سقوط درخت شوند که از حیث کنترل شهرداری خارج می‌باشند؛ چه بسا بی احتیاطی و بی‌مبالاتی خواهان در پارک نمودن خودرو در محل نامناسب باعث بروز حادثه فوق گردیده است و همانگونه که استحضار دارید در اثبات مطالبه خسارت براساس قانون مسئولیت مدنی در مواد ۲ و ۱ آن قانون بایستی رابطه سببیت بین زیان وارده و فعل زیانبار وجود داشته باشد که اساساً در پرونده فوق این رکن اثبات نگردیده و نظریه کارشناسی نیز صرفاً به میزان خسارت وارده است و به هیچ وجه نمی‌تواند مثبت تقصیر شهرداری باشد، نکته حائز اهمیت این است که گزارش تنظیمی از سوی مرجع انتظامی صرفاً بر پایه اظهارات شاکی می‌باشد و عنوان نموده که شاکی به واحد گشت مراجعه و اظهار داشتند که سقوط درخت بر روی خودرو ایشان باعث خسارت شده؛ در واقع سانحه از سوی شاهدی رؤیت نشده است.» نظر به این که شهرداری براساس لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مسئول حفظ و نگهداری از اشجار در محدوده شهر می‌باشد و در صورتی که بر اثر عدم حفظ و نگهداری موجب ورود خسارت به اشخاص یا اموال گردد، باید خسارت

وارده را جبران نماید، بنابراین نظر به احراز مالکیت خواهان سقوط درخت بر روی وسیله نقلیه، پذیرش نظر کارشناس در پرونده تأمین دلیل که با اوضاع و احوال مسلم قضیه مغایرت و مابینتی ندارد، خوانده را از باب تسبیب به استناد قانون فوق الذکر و مواد ۲۰۱ از قانون مسئولیت مدنی و مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۱۹، و ۵۲۰ از قانون آیین دادرسی مدنی، به پرداخت مبلغ دوازده میلیون و پانصد هزار ریال بابت اصل خواسته، مبلغ دویست و هفتاد و شش هزار ریال بابت هزینه دادرسی و مبلغ هشتصد هزار ریال بابت هزینه کارشناس در حق خواهان محکوم می‌نماید. این حکم حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رای دادگاه تجدیدنظر: در خصوص تجدیدنظرخواهی شهرداری منطقه سه تهران، به نمایندگی خانم (ش.ح) نسبت به دادنامه شماره ۱۰۰۱-۱۳۹۰/۱۰/۳۰-۱ صادره از شعبه ۸۱ دادگاه عمومی تهران، که به موجب آن تجدیدنظرخواه به پرداخت مبلغ دوازده میلیون و پانصد هزار ریال از بابت اصل خواسته و مبلغ دویست و هفتاد و شش هزار ریال بابت هزینه دادرسی و مبلغ هشتصد هزار ریال بابت هزینه کارشناسی محکوم گردیده است، اعتراض وارد به نظر می‌رسد به این شرح که: با توجه به اوراق پرونده و گزارش مأمور محترم نیروی انتظامی که در برگ سوم پرونده منعکس است «آقای (ح.ن.الف) به واحد گشت مراجعه نمود و اظهار داشت خودرو موصوف در ساعت نوزده پارک بوده که به دلیل بارندگی، یک عدد درخت از حاشیه بلوار ستاری شکسته شده و بر اثر اصابت به سقف خودرو پراید، باعث خسارت گردیده است و تجدیدنظرخوانده در دادخواست تقدیمی اعلام داشته است اینجانب مالک خودروی پراید به شماره ...، در مورخه ۱۳۹۰/۰۸/۱۷ در حین حرکت در اثر سقوط و شکسته شدن شاخه درخت، وسط خودروی اینجانب، منجر به خسارت گردیده است.» با عنایت به این که دلیل و مدرکی یا نظریه کارشناس که اثبات نماید شهرداری از جریان شکسته شدن درخت در اثر بارش برف مطلع بوده و کوتاهی کرده است یا مقصر اعلام و شناخته شود، به چشم نمی‌خورد؛ علی‌هذا دادگاه رأی معترض عنه را که موافق موازین شرعی و قانونی اصدار نیافته است، مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی نقض و استناداً به بند ۴ ماده ۸۴ قانون مارالذکر، قرار رد دعوی تجدیدنظرخوانده صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

نتیجه

مقاله پیش رو با موضوع و محوریت بررسی مبانی، اصول و ابعاد مسئولیت مدنی در حوزه مدیریت شهری به انجام رسید. مدیریت شهری به عنوان یک سیستم اداری، محلی و غیرمتمرکز، اداره امور شهر را بر عهده دارد و

در کلان امر از نظارت عمومی دولت ها خارج است و به عنوان یک سازوکار محلی شناخته می شود که ارگان ها و سازمان هائی همچون شهرداری، شورای شهر و دیگر نهادهای ذیربط را شامل می گردد.

مهم ترین ارکان مسئولیت مدنی در مدیریت شهری تقصیر، وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و رابطه سببیت است. از این فرضیه می توان نتیجه گرفت که در صورت عدم ترمرد و تقصیر، به طریق اولی دولت مسئول است و می توان گفت مفاد و مدلول این سنت آن است که از نظر شرعی در اثبات مسئولیت مدنی دولت، نظریه ایجاد خطر و در باب تقصیر اداری مسئولیت مطلق دولت، دیدگاه مورد قبول و پذیرفته شده به شمار می آید. در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی دیگر شود، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید. بنابراین قطعی و مسلم بودن ضرور آن را قابل مطالبه می نماید یعنی شرط قابلیت معطالبه فرد این است که قطعی و ملم باشد. به تعبیری مدعی خسارت باید ثابت کند که ضرر به او وارد شده است و به صرف احتمال ورود زیان نمی توان شهرداری را به جبران آن خسارت محکوم کرد. در خصوص ارتکاب فعل زیانبار نیز رعایت انصاف، برقراری عدالت توزیعی و حمایت از حقوق آسیب دیدگان و خانواده های آنان اساسی ترین مبنای حمایتی دولت است. از جمله مسئولیت مدنی مدیریت شهری در جبران خسارت ناشی از انجام تکالیف قانونی می توان به صدور پروانه غیر مجاز و جبران خسارت ناشی از شرایط فورس ماژور می باشد. در پایان نیز بحث گردید که مسئولیت مدنی در حوزه مدیریت شهری در رویه قضایی در سالیان اخیر جایگاه مهمی دارد و در مواردی از قبیل تقصیر پیمانکار حوادث غیر مترقبه و خسارت تخریب اموال بیش از سایر موارد مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا نیز دو نمونه از آرای صادره در این خصوص ذکر گردید.

منابع

فارسی

- بادینی، حسن، ۱۳۸۴، **فلسفه مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- باریکلو، علی رضا، ۱۳۹۳، **مسئولیت مدنی**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان.
- باقری سجیرانی، رضوان، ۱۳۹۷، **بررسی مسئولیت مدنی و کیفری شهرداری ها**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- ترک، مهری، ۱۳۷۶، **اصول حقوقی حاکم بر قوانین و مقررات شهرسازی در ایران و انگلیس و آمریکا**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- خانی، محمد، ۱۳۸۷، **مسئولیت مدنی دولت**، **مجله وکالت**، شماره ۳۵ و ۳۶.

- سلمانیان، محمدهادی، ۱۳۹۴، مسئولیت والدین ناشی از فعل فرزندان صغیر خود در حقوق فرانسه، **مجله حقوقی کانون وکلای استان همدان**.

- شمس الدین، مهدی، ۱۳۶۹، **نظام حکومت و مدیریت در اسلام**، ترجمه مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، **مبانی حقوق عمومی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- لطفی، حیدر؛ عدالتخواه، فرداد؛ میرزایی، مینو؛ وزیرپور، شب بو، ۱۳۸۸، مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، **فصلنامه جغرافیای انسانی**، شماره ۱.

- موسی زاده، رضا، ۱۳۷۸، **حقوق اداری**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- وحدانی نیا، محمدمامین، ۱۴۰۰، **مسئولیت مدنی شهرداری ها در طرح تملک**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مجد.

عربی

- خمینی، روح الله، ۱۳۶۹، **تحریر الوسیله**، جلد دوم، تهران، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوانساری نجفی، موسی، ۱۴۱۸ق، **منیه الطالب فی شرح المکاسب**، جلد اول، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی.

- نجفی، محمدهسن، ۱۳۹۷، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، جلد چهارم، چاپ ششم، تهران، کتابخانه اسلامی.

قوانین

- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹
- قانون حفظ نباتات مصوب ۱۳۴۶
- قانون برقراری حقوق وظیفه یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت نموده و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت می شوند مصوب ۱۳۷۲
- قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰
- قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- مصوبه شماره ۱۵۸۱۴/۴/الف/ش مورخ ۱۳۸۵/۰۷/۰۵ وزارت کشور

آراء

- دادنامه شماره ۱۰۰۱-۱۳۹۰/۱۰/۳۰-شعبه ۸۱ دادگاه عمومی تهران
- دادنامه شماره ۱۶۸۳-۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۵-۱۳۹۱/۱۲/۲۷
- دادنامه شماره ۱۱۰۷-۱۳۹۷/۱۲/۲۳-شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی تهران

Legal Civilization

Biannual No.9/Fall 2021 & Winter 2022

ISSN:2783-1841
ISSN:2783-1922

- Review of Legal Solutions for Mining and Trading of Digital Currencies: Legal Gaps and Solutions*SHima Naderi, Majid Motallebi
- Analysis the Jurisprudential Principles of Torture and Delay at Implementation Preemption *Morteza Rahimi
- Achievements and Challenges of Multiplicity and Recidivism in the Law on Reducing the Punishment of Imprisonment Imposed in 2020 with a Practical Approach*Abolfath KHaleghi, Zahra Mirzaei
- Review of Technology Transfer Contract in Iranian Subject Law*Afshin Mojahed
- Explain the Principle of Information in the Light of the Previous Consent Procedure of the Rotterdam 2003 Convention*Mohammad Mobini Far, Marziyeh Fathi Bornaji
- The Position of Dispute Resolution Commissions in Lawsuits between the Islamic Revolutionary Guard Corps and Tehran Municipality*Mohammadreza Yazdi, Mojtaba Salek Razi
- the effects and conditions of retrial in Iranian and French lawani, Mohammad Reza Burbur
- Effects of Divorce on the Law of Iran, France and the United Kingdom *Maisam Sobhani
- Analysis of Child Rights in Iran: Review of the National Body Convention of Rights of Child Based on the Universal Convention of the Rights of the Child *Maryam SHA'ban
- The Relationship between Insult and Freedom of Expression in the Light of the Islamic Penal Code and the Press Law*Amirhossein GHazaei Alamdari
- Principles and Rules Governing Professional Ethics in the Legal Profession *Rostam Ali Akbari, Yasser SHakeri
- Religious Pluralism in the Islamic Penal Code*Mohsen Hamidipour
- Effects and Conditions of Absentee Proceedings in Iranian and French Law Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Mostafa Afzali Goroh
- Criminal Responsibility of Governments for Environmental Crime in the Light of Regional and International Cooperations*Sajad Tayebi
- Analysis of the performance of the International Court of Justice in the case of violation of the 1955 Amity Agreement between the Islamic Republic of Iran and the United States of America*Mohammad Setayesh Pur, Eisa Poodat
- Conceptual and Philosophical Challenges of Terrorism in Confrontation of Human Rights Nourooz Kargari
- Economic Analysis of the Externality of Property use by Comparative Study of Iranian Law Yadullah Dadgar, Akram Ehsani
- Functions and Challenges of Mediation in Iran (Looking at Some European Countries and International Documents)*Sayyed Abbas Mousavi
- Privacy in the Legal System of Iran and Islam*Ali Akbari, Mahdi Falahian
- Prisoners' Rights from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law with a look at International Documents*Gholamreza Izadpanah, Vajehe Izadpanah
- Analysis of the Assassination of Iranian Nuclear Scientists from the Perspective of Domestic and International Law*Mohammad Khalil Salehi, Mohammad Salmani Farahmand
- Effects of Life Insurance Contract from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law Sayyed Sajad Khalooei Tafti
- Protecting Agency Judges in an Age of Politicization: Evaluating Judicial Independence and Decisional Confidence in Administrative Adjudications*Reza Tajarlou, Mohammad Javad Shafaghi, Fatemeh Mafi
- the Rights of Victims and Offenders in the French Criminal Procedure Criticisms and Challenges Sadegh Fetili, Ebrahim Moghdam
- Review and Analysis of the Obligation to Observe Caution in Common Law Rezahosain Gandomkar, Farzad Karami kolmoti
- A Comparative Study of Crime Cost Assessment in Criminal Law and Shiite Jurisprudence Esmaeil Kashkoulain, Mahdi Naghavi
- An Introduction to the Theory of Legal Personality in Imami Jurisprudence*Sayyed Alireza Amin
- Examining the Pillars of Civil Liability of Municipalities in Judicial Procedure Sayyed Vahid Mirmezami, Faezeh Bahador
- Compensation for Innocent Convicts in the Law of Iran and America Ahmadreza Kenarkoohi, Salameh Abolhasani
- Research on the Importance of Offer in Iranian Civil Law and the UNIDROIT Principles Morteza Javan Sarand